

وقتی جلد نشریه شماره 46 سازمان زنان هشت مارس (1) را دیدم حالم گرفته شد! این اثر هنری به جای آن که مبارزهٔ چهل سالهٔ زنان با حجاب اجباری را نشان دهد، نقاشی «نیو ایچ» (عصر جدید) تحویل بیننده داده که ذره ای از خشونت و تخاصم موجود در کشمکش چهل سالهٔ زنان با این رژیم اسلامی بر سر حجاب اجباری، در آن منعکس نیست. ذره ای از قدرتِ شورش چهل سال پیش زنان علیه فرمان پوسیدهٔ خمینی در آن نیست. در حالی که آن شورش چنان قدرتی داشت که خمینی را وادار به عقب نشینی کرد! در این نقاشی به جای قدرت و ارادهٔ آن زنان و خشم شان، با زنی آرام و افسرده، در حال مدیتیشن روبرو هستیم. نقاشی «نیو ایچ» همین است. هدف از ارایهٔ تصویر کبوتر صلح از زنان چیست؟ و منطق بر دیدگاه طبقاتی و حالات روحی چه کسانی است؟

اینکه نقاش آگاهانه این سبک را اختیار کرده یا خیر من نمی دانم و نقشی در نقد من ندارد. در هر حال محتوای آن را باید شکافت و امیدوارم هنرمند از این نقد نرنجد بلکه تأمل کند. این نقد عمدتاً متوجه نشریه هشت مارس و گردانندگان آن است.

نقاشان فمینیست «عصر جدید» زن را موجودی که معترض است اما ترسناک نیست، خشمگین نیست، می تواند برگ زیتون در دست بگیرد و نماد پرندهٔ صلح باشد نقاشی می کنند. با استفاده از نور، رنگ های روشن و طبیعت گرایی و حالاتی مانند حرکات نرم دست و پا و چشمان بسته این تصویر را القاء می کنند. در نقاشی هایشان از بیان حالات شدید مانند خشم و نفرت به شدت پرهیز می کنند و برای زن خصلت «شهودی» قائلند. چشمان بسته به جای چشمان باز و کنجکاو و گویا، نقش مهمی در القای این «شهود درونی» دارد. نقاشی «نیو ایچ» مخالف نشان دادن احساسات «منفی» مانند خشم و نفرت است. تمرکز آن روی «آرامش» و آشتی دادن تضادهای اجتماعی است. «نیو ایچ» در این زمینه عناصری از بودیسم و دیگر مذاهب میستیک آسیایی را به عاریت می گیرد. نقاشی فمینیستی «نیو ایچ» در واقع پدیده ای «کهنه» است. پدرسالاری را از دریچه ای جدید ارایه می دهد. سکولاریسم و معنویت را ترکیب می کند تا هم واقع گرا باشد و هم با تکیه بر آن، تخیلی خطرناک یعنی، امکان تخفیف تضادهای طبقاتی و اجتماعی را القاء کند. در موسیقی «نیو ایچ» هم با این شاخص ها روبرو هستیم: موسیقی آرامبخش، سطحی و ساده که نیاز به عمق و تأمل ندارد. معمولاً در اتاق انتظار پزشکان و بیمارستان ها یا مغازه هایی که تسبیح و شمع و بخور خوش بو می فروشند پخش می شود.

درست در زمانی که همه در حال جنگیدن، مجادله، مناظره، کشمکش هستند هنر نیو ایچ صلح، عشق، محبت و دوستی را تبلیغ می کند. درست زمانی که همه در خاک و خون غلت می زنند، نیو ایچ، خود را در نور و ماه و خورشید و بالای این چیزها نگاه می دارد. این نگاه، برای طبقه میانه مرفه جذاب است و سرخوشی می آورد. زن روی جلد این نشریه زنی نیست که از اسارت خشمگین است. این زن با دشمن رو در رو نیست و می خواهد پلی باشد میان نیروهایی که قصد واژگونی نظم موجود را کرده اند و آنان که حفظ نظم موجود را می خواهند.

نیو ایچ (عصر جدید) تبدیل به فلسفه ای برای جنبش های اجتماعی طبقهٔ میانهٔ مرفه شده است. در ایران هم زنان مرفه طبقهٔ میانه حول شکل های «بومی» آن که طیفی از عرفان است، حلقه زده اند. این با جنبش هیپی ها فرق دارد اما هیپی هایی که به سن و سال بالا رسیده اند و چپی هایی که از رادیکالیسم گذشته خود پشیمانند یا پا به سن گذاشته و بحرانی اند نیز به «عصر جدید» روی می آورند. اینها لایف استایل کامل خود را دارند: کافه ها و مغازه های «خاکی» و شیک، و دکان های «پزشکی آلترناتیو» و آپارتمان هایی که برای گرفتن فال قهوه دور هم جمع می شوند.

برگردیم به نقاشی جلد نشریه هشت مارس: جدا از چشمان بستهٔ این زن، بیابید به دهانی که برای زن کشیده شده و مشت باز او نگاه کنیم. مشت و دهان در پوسترهایی مبارزاتی نقش مهمی دارند. بعضی طرح های دکماتیستی وقتی می خواهند زن را قوی نشان دهند برایش بازوی ماهیچه ای می

گذارند. اما مشیت چه توسط دست لاغر و بدون ماهیچه به هوا پرتاب شده باشد و چه توسط بازوانی بزرگ نشانه مبارزه و خط و نشان کشیدن برای دشمن و نشانه عزم و اراده برای به کرسی نشاندن اراده ستمدیده است. وای به زمانی که مشیت ها را باز کنیم!

دهان همیشه نقش مهمی در پوسترهای مبارزاتی داشته است. دهان این زن، دهان فریادزن نیست. متأسفانه در نگاه اول این طور به نظر می آید که پستانکی بر دهان زن گذاشته شده است. اما با نگاهی دقیق تر می توان به این نتیجه رسید که زن دارد حرفی می زند اما فریاد نمی کشد. همچنین شبیه نقاشی های «فمینیست های ماتیک» (لیپ استیک فمینیست) شده است که معتقدند زن را باید با تمام ظرافت های زنانه اش نقاشی کرد. چشم و صورت و ماهیچه های این زن خشمگین نیست و اصلاً قدرت و عزم و اراده ای را برای شکستن زنجیرهای اسارت در او دیده نمی شود. در واقع، زنی افسرده حال را می بینیم که بندی به دستان ضعیفش آویزان است.

ممکن است هنرمند قصد القای چنین تصویری از زن را نداشت. اما تأثیرات یک اثر هنری، جدا از این که آفریننده آن چه نیتی دارد، یک واقعیت مشخص و عینی است. تأثیر یک اثر هنری نقش اجتماعی آن را تعیین می کند. هنر یک وسیله قدرتمند، یک فعالیت سیاسی و اجتماعی است و تأثیرات اجتماعی مثبت (واژگون کردن نظم کهنه و ارتجاعی) یا منفی (حفظ نظم موجود) بسیار دارد. هنر در سراسر تاریخ وسیله ای بوده است برای بیان تجارب و شرایط انسان. بیان هنری همیشه کمکی بوده است که ما انسان و تکامل جامعه بشری و دگرپرسی انسان را بشناسیم. در این چارچوب، هنر در جنبش زنان نقش مهمی داشته است. زنان تلاش کرده اند از آن برای بیان افکار و شرایط و دغدغه ها و خشمشان استفاده کنند، حکایت رنج ها کنند، بیرحمی شرایطشان را نشان دهند، آمل رهایی و آینده ایده آلمان را تصور کنند و دیگران را به حرکت و مبارزه در بیاورند. هنر چنین نقش اجتماعی را باز می کند و بورژوازی و دیگر طبقات استثمارگر همیشه سعی کرده اند از آن برای تحریف واقعیت و تثبیت نظم حاکم استفاده کنند و در رابطه با زنان تسلیم طلبی و سازش و یا شکل های جدید پدرسالاری را تبلیغ و ترویج کنند. «نیو ایج» تلاش می کند یک نوع مذهب سکولار اختراع کند و کاری جز تقویت پدرسالاری نمی کند.

هنرمند و نقاش حق دارد که برای دل خود، و طبق جهان بینی خود نقاشی کند. اما نشریه ای که ادعای مبارزه با ستم بر زن را می کند و چهلمین سالگرد یکی از مهمترین شورش های توده ای نیم قرن اخیر ایران را بزرگ می دارد، باید بداند که هرگز حق ندارد چنین تصویر دروغینی از زنان عصیانگر چهل سال گذشته بدهد. انتخاب این تصویر آگاهانه و برای مقبول افتادن در میان قشر خاصی از زنان و متعهد نشان دادن خود به آن قشر بوده است.

1- جلد نشریه هشت مارس



2- چند پوستر مبارزاتی نمونه

